

دانلود جزوه حقوق مدنی 4 با کیفیت بالا

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

## نمونه متن جزوه:

در خصوص خود مال، می‌توانید به هر کدام از غاصبین رجوع بکنید و مالتان را پس بگیرید ولی در مورد منافع، شما می‌توانید به من رجوع بکنید و منافع یکسال را از من بگیرید. اگر به علی رجوع کنید، می‌توانید از زمانی که او غصب کرده، تا زمانیکه مال را تحویل گرفتیم، منافعتش را از او بگیریم. یعنی منافع ماه و اگر فقط به حسن مراجعه بکنم، منافع ماهی که دست او بوده را می‌توانم بگیرم.

اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به عین، مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء بکند، دیگر نمی‌تواند به هیچ غاصب دیگری مراجعه بکند. چون ابراء اسقاط حق دینی است. و وقتی ابراء از مباحث سقوط تعهدات است و من مالک ذمه شما را بری کردم، دیگر حقی برای من نه نسبت به شما و نه نسبت به غاصبین دیگر وجود ندارد. پس با ابراء کل غاصبین بری الذمه میشوند.

ماده : هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین

دیگر نخواهد داشت. ولی اگر حق خود را به یکی از آنان به نحوی از انحاء انتقال دهد آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دار بوده است.

بند دوم ماده : امکان دارد که مالک یک زمان ذمه را بری بکند. اما یک موقعی در مورد خانه ای که شما از من، علی از شما و حسن از علی غصب کرده، اگر من حقم را به علی انتقال بدهم، علی جایگزین من میشود و هر حقی که من دارم، علی هم خواهد داشت و علی، به افراد غاصب بعد از خودش می‌تواند مراجعه بکند. ولی اگر من به غاصب آخر یعنی حسن انتقال بدهم، حسن مالک ما فی الذمه میشود. یعنی به کسی نمی‌تواند رجوع بکند، دینی هم نخواهد داشت.

پس ابراء عین به منزله پرداخت دین و باعث سقوط دین است .

انتقال حق باعث سقوط نیست و منتقل الیه، قائم مقام تلقی میشود.

ابراء منفعت : اگر ابراء به منفعت کل آن مدت بکنیم، حق رجوع به غاصبین را نداریم. اما اگر به منفعت زمان تصرف یکی از غاصبین ابراء بکنیم، یعنی مثلا ماه علی را ابراء میکنیم، در اینصورت به منفعت زمان تصرف آن ماه نمی‌توانیم مراجعه بکنیم، اما به بقیه ی زمان ها می‌توانیم مراجعه بکنیم.

ماده : ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت.

: یعنی یک موقعی من نسبت به یک زمان خاص ابراء میکنم، یک موقعی بدون زمان، ذمه یک نفر را ابراء میکنم.

در آنجایی که به ذمه اش ابراء میکنم، به بقیه نمیتوانم رجوع بکنم. ولی آنجایی که به زمان خاص ابراء میکنم، به بقیه میتوانم رجوع کنم ولی فقط نسبت به منافع آن مدت ابراء شده نمیتوانم رجوع کنم.

رابطه بین غاصبین :

در مورد اموالی که بین غاصبین متعدد در گردش است، آیا هر یک از غاصبین این حق را دارند که به غاصب دیگری مراجعه بکنند یا خیر؟

قاعده وجود دارد : - در رابطه با عین، کفِ ضیمان، بر عهده ضامنی است که عین در نزد او تلف شده است. - در رابطه با منافع، هر غاصب به میزان منافع زمان تصرف خودش مسئول است.

-در رابطه با عین، کف ضمان، برعهده ضامنی است که عین در نزد او تلف شده است : شما ماشینی را از من غصب کردید ،علی از شما غصب کرده، حسن از علی غصب کرده و چند دست چرخیده. باید ببینیم که این ماشین، دست کدام یک از غاصبین از بین رفته و تلف شده. که دست هرکدام که تلف شده باشد، در نهایت آن شخص باید خسارت را پرداخت بکند.

مثلا اینجا، ماشین در دست حسن از بین رفته و من مالک به شما مراجعه کردم و خسارتم را گرفتم چون گفتیم مالک میتواند از هرکسی خسارتش را بگیرد ، حالا شما میتوانید به نفر بعدی یعنی علی مراجعه بکنید و آنچیزی که از بابت خسارت به من پرداختید را از علی بگیرید و علی هم میتواند به حسن مراجعه بکند ولی حسن دیگر نمیتواند به کسی مراجعه بکند.

پس کف ضمان یعنی این ضمانت هایی که دست به دست چرخیده، انتهایش برعهده کسی است که مال نزد او تلف شده و خسارت را او پرداخت میکند و دیگر بابت این خسارت نمیتواند به کسی رجوع بکند.

- در رابطه با منافع، هر غاصب به میزان منافع زمان تصرف خودش مسئول است : در ضمان منافع، هر غاصب به میزان منافع خودش مسئول است. اگر من منافع یکسال ماشینم را که در دست چند نفر چرخیده، از شما میگیرم، در صورتیکه ماشین

فقط ماه دست شما بوده، یعنی شما ماه به میزان منافع مسئولید و این ماه را نمیتوان از شخص دیگری گرفت، اما ماه دیگر را که از شما گرفتم را، شما میتوانید به علی و حسن مراجعه کنید و آنها بگیرند.

ماده : هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب دریداوتلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب

دیگرندارد ولی اگر به غاصب دیگری به غیر آن کسی که مال دریداوتلف شده است رجوع نمایدشارالیه نیز می تواند به کسی که

مال دریداوتلف شده است رجوع کندویابه یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال دریداوتلف شده است و بطور کلی ضمان برعهده کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است.

فرض غرور :

مسئولیت در غرور، قوی تر از مسئولیت در ضمان تلف است. یعنی اگر علی، حسن را گول زده فریب داده، مغرور کرده و

ماشین را به او داده و نزد حسن هم ماشین تلف شده باشد، چون فریب خورده، میتواند کل پول را از علی بگیرد. با وجود اینکه مال نزد خودش تلف شده

یعنی این قاعده، مختص مشتری ای است که عالم به غصب نبوده و جاهل بوده و برای مشتری عالم هیچوقت نمیتوانیم از این قاعده استفاده بکنیم.

ماده : اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بائع رجوع کند اگر چه میباید نزد خود مشتری تلف شده باشد اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بائع کند بائع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت.

معامله نسبت به مال مغضوب :

اگر مالی که از من غصب کرده اید را به اشخاص دیگر بفروشید، چه اتفاقی می افتد؟

ماده : اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می تواند بر طبق مقررات موافق بهر یک از بائع و مشتری رجوع کرده عین در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید.

بنابراین در رابطه بین مالک و خریدار مال مغضوب، خریدار در حکم غاصب است.

رابطه بین مشتری و غاصب :

آیا بین خریدار عالم و جاهل تفاوتی هست یا خیر؟

من یک ماشینی دارم که شما آن را از من غصب کردید و این ماشین را به علی فروختید.

رابطه را میخواهیم توضیح بدهیم : رابطه اول بین مالک و مشتری است یعنی من و علی : که در اینجا عالم و جاهل بودن مشتری هیچ تاثیری بر قضیه ندارد. اما در رابطه دوم، یعنی رابطه بین مشتری و غاصب، باید بین جاهل یا عالم بودن فرق قائل شویم. مشتری جاهل به غصب را ماده توضیح داده .